

بررسی اثر درآمد بر قاچاق کالا در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی مفیدی زاد^۱
سیدعلی پایتختی اسکویی^۲
رؤیا آل عمران^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۳

چکیده

امروزه قاچاق کالا یکی از معضلات اساسی اقتصادی در همه کشورهای جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. در این میان کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه خود و با توجه به اینکه همواره پل ارتباطی کشورهای مختلف بوده است، همواره شاهد رشد فزاینده قاچاق بوده است. بر این اساس بسیاری از سیاست‌گذاران همواره به دنبال راهکارهایی برای مقابله با قاچاق بوده‌اند. از سوی دیگر درآمد یکی از عناصر اصلی توسعه به شمار می‌رود و پایین بودن آن می‌تواند معضلات بسیاری از قبیل افزایش جرم و جنایت، بدتر شدن وضعیت سلامت و غیره را به همراه داشته باشد. یکی از جرم‌های اقتصادی که پایین بودن درآمد می‌تواند باعث افزایش آن گردد، قاچاق است. چرا که افراد در شرایطی که نمی‌توانند از راه‌های قانونی درآمد مورد نیاز خود را تأمین کنند، با احتمال بیشتری به کسب درآمد از راه‌های غیرقانونی همچون قاچاق روی می‌آورند. بنابراین هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر درآمد، در کنار سایر عوامل، بر قاچاق کالا در ایران در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۴۰۱ با به کارگیری روش میانگین‌گیری مدل بیزین (BMA) و حداقل مربعات معمولی (OLS) بوده است. نتایج حاکی از آن است که درآمد رابطه منفی و معنیداری با قاچاق کالا دارد. علاوه بر این، متغیرهای باز بودن تجارت و ارزش افزوده بخش صنعت نیز رابطه منفی و معنیداری با قاچاق کالا دارند. در مقابل متغیرهای تفاوت نرخ ارز رسمی و غیر رسمی، مالیات، اندازه دولت، گردشگری، مرگ و میر و ارتباطات رابطه مثبت و معنی داری با قاچاق کالا در ایران در دوره زمانی مذکور داشته‌اند.

^۱ دانشجوی دکتری گروه اقتصاد واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران

mehdimofidi338@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Paytakhti@iaut.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد، تبریز، ایران

Aleemran@iaut.ac.ir

واژه‌های کلیدی: قاچاق کالا، اقتصاد ایران، اقتصادسنجی بیزین، درآمد

طبقه بندی JEL: P44,G19,C11,F14



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اقتصاد جرم و جنایت یکی از موضوعات بین‌رشته‌ای پرچالش به‌شمار می‌رود که برای اولین توسط افرادی همچون ادوین چادویک^۱ (۱۸۲۹)، گری بکر^۲ (۱۹۶۸)، استیگلر^۳ (۱۹۷۰) مارلیک^۴ (۱۹۷۳) وارد دنیای علم اقتصاد شد. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱). قاچاق کالا فعالیتی است که در سراسر جهان به عنوان جرم تلقی می‌شود. از آنجایی که این پدیده اثرات جبران‌ناپذیر می‌تواند بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد کند، مورد توجه ویژه محققان، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. در حالت کلی، اقتصاد هر کشور به دو بخش رسمی و غیررسمی یا زیرزمینی تقسیم می‌شود. فعالیت‌هایی که به‌صورت خرید و فروش و ورود و خروج غیرقانونی و مخفیانه کالا از مرزهای کشور، در بخش اقتصاد غیررسمی انجام می‌شود، قاچاق کالا است (رضاقلیزاده و حیدرزاده، ۱۳۹۸). قاچاق کالا یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه در هر کشوری است و بنابراین در همه کشورهای جهان به‌عنوان یک معضل اساسی از آن یاد می‌شود. اما در کشورهای در حال توسعه، تنوع و حجم قاچاق بسیار بیشتر و نگران‌کننده‌تر است. به‌طوری که حجم اقتصاد غیررسمی در کشورهای در حال توسعه به حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی این کشورها رسیده است (بوهن و اشنایدره، ۲۰۱۲). این پدیده در ایران حتی اهمیت بیشتری نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه دارد. علت این امر شرایط ژئوپولیتیک ایران است. کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالا در مرزهای ایران با توجه به شرایط جغرافیایی آن از قبیل کوهستانی بودن، طولانی بودن، تراکم جمعیت پایین و صعب‌العبور بودن، دشوار است. گستردگی مرزهای دریایی کشور در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر نیز از جمله عواملی است که بر پیچیدگی مقابله با قاچاق می‌افزاید (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این از لحاظ موقعیت ارتباطی، ایران در محور شمال - جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به‌هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، به‌ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. از این رو، ایران در معرض قاچاق گسترده‌ای قرار دارد. (حافظ نیا، ۱۵:۱۳۸۱). به‌طوری که امروزه قاچاق از لحاظ گستردگی و تنوع بسیار فراتر از سالیان پیش می‌باشد. بنابراین و با توجه به اینکه جرم قاچاق منجر به آسیبها و ضررهای جبران‌ناپذیر بر ساختار اقتصادی و فرهنگی یک جامعه می‌شود و نظم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را بر هم می‌زند، مقابله با قاچاق به یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاران تبدیل شده‌است و اندیشمندان و محققان بسیاری بر شناسایی

1 Edwin Chadwick

2 Garry Becker

3 Stigler

4 Ehrlich

5 Buehn and Schneider

و ارائه راهکارهایی برای کاهش این پدیده تمرکز کرده‌اند. اولین قدم برای مقابله با پدیده قاچاق، شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن است. یکی از این عوامل مهم، وجود درآمد پایین است. در حالت کلی به گفته محققان درآمد پایین یکی از عوامل اصلی ارتکاب بسیاری از جرم‌ها محسوب می‌شود. در رابطه با قاچاق نیز، درآمد پایین و فقدان امکانات معیشتی مناسب باعث می‌شود تا افراد برای تأمین نیازهای خود به شغل‌های کاذب همچون قاچاق روی آورند (خداوردی، ۱۳۷۹: ۲۹). بر این اساس، می‌توان بیان نموده که یکی از عوامل تعیین‌کننده قاچاق در کشور تولید ناخالص داخلی کشور است. در این میان، شایان ذکر است که مدل نظری کاملی در زمینه عوامل مؤثر بر قاچاق وجود ندارد و مدل‌هایی که توسط عده معدودی از محققان تبیین شده نیز عموماً سلیقه‌ای بوده و مبانی نظری محکمی ندارد. علت این امر آن است که به دلیل زیاد بودن تعداد متغیرهایی که به‌طور بالقوه می‌توانند بر قاچاق کالا تأثیر بگذارند، یک مدل بهینه قطعی وجود ندارد. بر اساس آنچه ذکر شد، هدف اساسی این مطالعه بررسی رابطه تولید ناخالص ملی و قاچاق کالا در ایران ایران در دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۵ است. روش مورد استفاده در این پژوهش به این صورت است که ابتدا با به‌کارگیری روش روش میانگین‌گیری مدل بی‌زین^۱ (BMA) مهم‌ترین متغیرها از بین تمامی متغیرهای بالقوه مؤثر بر قاچاق کالا انتخاب شده و بر اساس آنها مدل بهینه تعیین می‌شود. سپس مدل مذکور با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات معمولی برآورد شده و تأثیر عوامل مختلف، با تأکید بر تولید ناخالص داخلی، سنجیده می‌شود.

۱- ادبیات موضوع

ادوین چادویک^۲ (۱۸۲۹) اولین کسی بود که مطالعاتی در رابطه با اقتصاد جرم انجام داد. بعد از آن محققانی همچون فلیشر^۳ (۱۹۶۳)، گری بکر (۱۹۶۸)، ارلیک (۱۹۷۳) نیز مطالعات متعددی در رابطه با اقتصاد جرم شروع کردند. فرض گری بکر (۱۹۶۸) در این رابطه این است که اگر مطلوبیت انتظاری فردی از مطلوبیت عدم ارتکاب جرم و استفاده از وقت و منابع در سایر امور بیشتر باشد، به احتمال زیاد مرتکب جرم خواهد شد. به این صورت که اگر منحنی بی‌تفاوتی فرد به دلایلی همچون درآمد پایین، تورم، بیکاری و مانند آنها به پایین‌تر منتقل شود، فرد برای دسترسی به مطلوبیت بالاتر ممکن است به فعالیت مجرمانه‌ای اقدام نماید (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱). در حالت کلی بکر (۱۹۶۸) اشاره می‌کند که افراد زمانی اقدام به فعالیت مجرمانه می‌کنند که منافع حاصل از آن از هزینه این اقدام بیشتر باشد. بنابراین هرچه افراد درآمد پایین‌تری داشته‌باشند و فقیرتر باشند، هزینه اقدام به جرم

1 Bayesian Model Averaging

2 Edwin Chadwick

3 Fleisher

کمتر از درام حاصل از آن خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت یکی از عوامل اساسی مؤثر بر جرم بر اساس الگوی بکر (۱۹۶۸) فقر و درآمد پایین است.

دورکیم^۱ (۱۸۹۵) نظریه خورد را در رابطه با بی‌هنجاری^۲ و جرم این‌گونه بیان می‌کند که بی‌هنجاری به حالتی گفته می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای سنتی قدرت و کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهند و هنوز هنجارهای جدیدی جای آنها را نمی‌گیرند. در این شرایط افراد در حالت بلا تکلیفی به سر می‌برند و رفتار قانونی و غیرقانونی را تشخیص نمی‌دهند و بنابراین اقدامات مجرمانه و غیرقانونی افزایش می‌یابد. بعد از دورکیم، رابرت مرتون^۳ (۱۹۳۸) نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه او تعمیم داد. از نظر وی بی‌هنجاری فشاری است که زمانی به وجود می‌آید که هنجارهای با واقعیت در تضاد باشند. در واقع بر اساس این نظریه، زمانی که فردی موفق برآورده کردن خواسته‌ها و نیازهای خود از روش قانونی و بر اساس هنجارهای پذیرفته شده نمی‌شود، به‌سوی راه‌های غیرقانونی و مجرمانه کشیده می‌شوند. بدین ترتیب افرادی که از طریق قانونی نمی‌توانند کسب درآمد کنند، ثروت خود را از راه‌هایی همچون قاچاق و جرم علیه اموال به‌دست می‌آورند (سیف‌الهی، ۱۳۸۱). علاوه بر نظریه‌های مذکور، بسیاری از محققان دیگر نیز بر این نظریه تأکید کرده‌اند که فقر و وضعیت بد اقتصادی می‌تواند یک عامل محرک برای اقدامات غیرقانونی اقتصادی از جمله قاچاق باشد. به عنوان مثال موسایی و احمدزاده (۱۳۸۹) به وضعیت بد اقتصادی و قائمذبحی (۱۳۹۹) به پایگاه اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان عامل مؤثر بر قاچاق کالا اشاره کرده‌اند. کلی^۴ (۲۰۰۰) و چیو و مادن^۵ (۱۹۹۸) نیز اشاره می‌کنند که فقر شانس ورود به جرائم را افزایش می‌دهد. بر اساس نظریه‌های ارائه شده می‌توان به اهمیت درآمد بر میزان قاچاق یک کشور پی برد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که کاهش درآمد در یک کشور باعث افزایش قاچاق در آن کشور گردد.

نظریه عدالت نیز به رعایت عدالت در مجازات اشاره دارد و اظهار می‌دارد که افرادی که مرتکب جرم خاصی شده‌اند را نباید به‌دلیل تفاوت‌های پیشین، به‌طور متفاوتی جریمه و رفتار نمود. ارتباط این نظریه با مطالعه حاضر این است که ممکن است یکی از دلایل تکرار جرم قاچاق عدم وجود عدالت در محکوم کردن افراد متفاوت باشد. علاوه بر این، نظریه دیگری که در این زمینه مطرح شده است تئوری محرومیت نسبی^۶ است که توسط بلاو و بلاو^۷ (۱۹۸۲) ارائه شده است. بر اساس این نظریه،

1 Durkeim

2 Anomie

3 Robert Merton

4 Kelly

5 Chiu and Madden

6 Relative Deprivation Theory

7 Blav and Blav

افرادی که جزو طبقات پایین‌تر جامعه هستند، شرایط خود را با افراد طبقات بالاتر مقایسه می‌کنند و این امر منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌شود. بنابراین این افراد احساس محرومیت می‌کنند و چون امکان پیشرفت از طریق ابزارهای قانونی برای آنها فراهم نیست، اقدام به جرم و خشونت می‌کنند. همچنین نظریه تضاد اجتماعی بیان می‌کند که اساساً جرم به این دلیل اتفاق می‌افتد که در جامعه تضاد طبقاتی زیاد وجود دارد. بر اساس این نظریه، اگر جامعه‌ای مبتنی بر عدم وجود طبقه باشد، جرم و جنایت از بین می‌رود. بنابراین یکی از دلایل جرم و از آن جمله جرم قاچاق وجود اختلاف طبقاتی در جامعه است. بنابراین می‌توان گفت که هرچه در جامعه بی‌عدالتی بیشتر باشد، احتمال گسترش قاچاق بیشتر است.

همچنین بر اساس نظریه آشکارسازی آماری، یکی از علل روی آوردن به قاچاق وجود تفاوت قیمت است. در واقع اگر قیمت کالاهای تجارت قانونی و غیرقانونی یکسان باشند، قاچاق وجود نخواهد داشت. این قیمت واحد هر کالا شامل تعرفه نیز می‌باشد. بنابراین هرچه تعرفه بیشتر باشد، قیمت تمام شده کالاهای وارداتی قانونی بالاتر خواهد بود و انگیزه قاچاق افزایش خواهد یافت. (انگومی گاکونیو، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه احمدی و همکاران (۱۴۰۰) تعرفه‌ها همانند یارانه عمل می‌کنند و بر اساس نظریه با ایجاد اختلاف قیمت در داخل و خارج کشور، زمینه قاچاق را فراهم می‌کنند. همچنین بر اساس نظریه نهادی، علت عمده افزایش پدیده قاچاق عوامل نهادی و سیاستگذاری نامناسب سازمان‌های مختلف و دولت باشد. به‌عنوان مثال سیاستهای نادرست مربوط به تعرفه‌های گمرکی و مالیات می‌تواند منجر به کاهش انگیزه واردات رسمی شده و بازرگانان به واردات غیررسمی روی آورند.

بوهن^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نیز نظریه‌ای در رابطه با تأثیر بیکاری بر قاچاق ارائه داده‌اند. بر اساس این نظریه، بیکاری می‌تواند تأثیر متناقضی بر قاچاق داشته‌باشد. بدین صورت که از یک سوء، افزایش نرخ بیکاری منجر به افزایش تمایل افراد به قاچاق کالا در راستای کسب درآمد و تأمین نیازها می‌شود. اما از سوی دیگر، افزایش بیکاری و رکود اقتصادی، باعث کاهش قدرت خرید مردم شده و تقاضا برای کالاهای رسمی و غیررسمی را تضعیف می‌کند. متغیرهای مستقل بالقوه‌ای که بر اساس مطالعات پیشین ممکن است تأثیر بر قاچاق داشته‌باشند در جدول (۱) گزارش شده‌است.

جدول (۱): متغیرهای بالقوه مستقل مؤثر بر قاچاق کالا

ردیف	نام متغیر	مطالعات پیشین مرتبط
------	-----------	---------------------

1 Ngumi Gakonyo

2 Buehn5

حیدری و شفیعیان (۲۰۱۵)، سیفالله‌ی (۱۳۸۱)، جعفرزاده پور (۱۳۷۸)	بی‌عدالتی	۱
انگومی گاکونیو (۲۰۱۸)، احمدی و همکاران (۱۴۰۰)	تعرفه‌های گمرکی	۲
هاشمی دیزج (۱۳۹۸)، بوهن ۱ و همکاران (۲۰۱۲)، ژاک وب ۲ (۱۹۸۱)، وانگ ۳ (۱۹۹۵)، ژانگ ۴ (۱۹۹۷)، ویت ۵ و همکاران (۱۹۹۸)، تو شیماء (۲۰۰)، فطرس (۱۳۷۵)، صادقی و همکاران (۱۳۸۴) و فطرس و همکاران (۱۳۹۱)	بیکاری	۳
غلامیان (۱۳۹۱)، امیر پور و همکاران (۱۳۹۱)	مصرف	۴
اسماعیل پور و رنجبر (۲۰۱۶)، شرفی و همکاران (۱۳۹۹)، رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹)، سلیمی فر و کیوان فر (۱۳۸۲)	مالیات	۵
هاشمی دیزج (۱۳۹۸)	پارانه	۶
اسماعیل پور و رنجبر (۲۰۱۶)، هاشمی دیزج (۱۳۹۸)، عرب مازار ویزدی (۱۳۷۹)	نرخ تورم	۷
تالاریکو و زامپرینی ۷ (۲۰۱۷)، شرفی و همکاران (۱۳۹۹)	حمل و نقل	۸
ویجایالاکشمی و آنورادها ۸ (۲۰۲۰)، عبدالعلی زاده ترکمانی و همکاران (۱۴۰۲)	ارتباطات	۹
امیر پور و همکاران (۱۳۹۱)، اسماعیل پور و رنجبر (۲۰۱۶)	صنعت داخلی	۱۰

1 Buehn6

2 Jacob7

3 Wong8

4 Zhang9

5 Witt

6 Tushima

7 Talarico and Zamparini

8 Vijayalakshmi and Anuradha

فرزانگان (۲۰۰۹)، طهرانچیان و علیمردی (۱۳۹۴)	نظام ارزی	۱۱
خواجوی و همکاران (۱۳۹۰)، هاشمی دیزج (۱۳۹۸)	اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی	۱۲
خندان (۱۳۹۶)، لاریجانی (۱۳۹۵)	رشد اقتصادی	۱۳
رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹)، شرفی و همکاران (۱۳۹۸)	اندازه دولت	۱۴
رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹)	باز بودن تجاری	۱۵
هاشمی دیزج (۱۳۹۸)	ممنوعیت	۱۶
مطیعی و محمدخانی (۱۴۰۰)، قائم ذبیحی (۱۳۹۹)	دینداری	۱۷
قائم ذبیحی (۱۳۹۹)، گراوند و دلاور (۱۴۰۰)	آموزش	۱۸
همچون شرفی و همکاران (۱۳۹۹)	سلامت	۱۹
صادقی ده چشمه و قائد امینی هارونی (۱۳۹۹)، بایوا (۲۰۰۲)، بایارداد و همکاران (۲۰۰۹)، احمد (۲۰۱۰)، اقبالی و همکاران (۲۰۱۱) و سینگلا (۲۱۰۴)	گردشگری	۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۲. پیشینه تجربی

۲-۱. مطالعات داخلی

مهدوی و همکاران (۱۴۰۱) با به‌کارگیری رگرسیون چند متغیره و رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از ۳۰۰ پرسش‌نامه به بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق چوب سوخت و زغال در جوامع محلی زاگرس مرکزی پرداخته و دریافته‌اند که عوامل مؤثر بر قاچاق چوب و زغال به سه گروه عامل اقتصادی-معیشتی (درآمد پایین، بیکاری، سود بالای قاچاق)، عامل حقوقی-قانونی (عدم برخورد به‌موقع نهادها،

کافی نبودن قوانین، عدم اطلاع از قاچاق بودن) و عامل فرهنگی-اجتماعی (عدم آگاهی از آسیب‌های قاچاق، تعداد اعضای خانواده، عادت) تقسیم می‌شوند.

مطیعی و محمدخانی (۱۴۰۰) با استفاده از یک نمونه ۴۳۹ نفری از کسانی که دست کم یک بار سابقه خرید کالای قاچاق را داشتند و به‌کارگیری مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی تأثیر دینداری بر قصد خرید کالای قاچاق پرداختند و دریافته‌اند که دینداری ذاتی و بیرونی اجتماعی مصرف‌کننده ارتباط معناداری با ریسک اجتماعی و خطر روانشناختی درک شده او دارد، درحالی‌که دینداری بیرونی شخص مصرف‌کننده ارتباطی با این دو مقوله ندارد. همچنین، نتایج آنها نشان می‌دهد که دینداری (ذاتی، بیرونی اجتماعی، بیرونی شخصی) تأثیر مستقیمی بر شجاعت اخلاقی و مالکیت اخلاقی مصرف‌کننده دارد، در حالی‌که تأثیری بر کارایی اخلاقی ندارد. به‌علاوه، مصرف‌کننده هنگام خرید کالای قاچاق به‌صورت ممنوع ریسک اجتماعی و خطر روانشناختی بیشتری نسبت به خرید کالای قاچاق به‌صورت مجاز مشروط احساس می‌کند.

رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹) با به‌کارگیری مدل MIMIC به عوامل به وجود آورنده قاچاق کالا در ایران در دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۵۷ پرداخته و سپس تأثیر قاچاق بر اشتغال را با استفاده از آزمون کرانه‌ای در مدل ARDL بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که متغیرهای رشد تقاضای پول، مصرف انرژی، شاخص باز بودن تجاری، رشد تولید ناخالص داخلی، بار مالیاتی و اندازه دولت بر قاچاق کالا تأثیرگذارند. آنها همچنین دریافته‌اند که کاهش قاچاق کالا می‌تواند با تأثیر مثبت بر روند تولید داخلی اشتغال را افزایش دهد.

۲-۲. مطالعات خارجی

اسماعیل‌پور و رنجبر (۲۰۱۸) با به‌کارگیری روش توصیفی-پیمایشی و آزمون t تک متغیره و از طریق تکمیل پرسش‌نامه توسط ۱۵۰ مدیر و کارشناس واحدهای مربوط به قاچاق کالا، به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در استان بوشهر پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ترتیب اهمیت عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مناطق مرزی بوشهر عبارت است از: محدودیت‌های تجاری، فساد اداری، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل جغرافیایی.

انگومی گاکونیو (۲۰۱۸) با استفاده از رگرسیون چند متغیره و آنالیز واریانس به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر قاچاق کالا در مومباسای کنیا در دوره ۵ ساله ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ پرداخته‌است. بر اساس نتایج این مطالعه، تعرفه‌های گمرکی، محدودیت تجاری (ممنوعیت تجارت) و تحریم‌های کمیسیون گمرکی (جریمه‌ها و تهیه لیست سیاه برای واردات) در کاهش قاچاق کالا مؤثرند.

واجید^۱ و همکاران (۲۰۱۴) با به‌کارگیری رویکرد MIMIC به بررسی علل قاچاق در کشورهای در حال توسعه در دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۰ پرداخته و دریافته‌اند که افزایش نرخ تعرفه باعث افزایش قاچاق و بالا بودن نرخ بیکاری، آموزش و باز بودن تجاری باعث کاهش قاچاق می‌شود، اما آموزش در کشورهای توسعه یافته قاچاق را افزایش می‌دهد.

۳. روش تحقیق

مطالعه حاضر در مرحله اول، برای انتخاب مدل بهینه از روش میانگینگیری مدل بیزی (BMA) استفاده می‌کند و سپس مدل انتخاب شده را بر اساس روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد می‌کند. از آنجایی که انتخاب یک مدل نظری مناسب همواره با عدم اطمینان در رابطه با انتخاب متغیرها و مدل مواجه است، به‌کارگیری رویکرد میانگینگیری مدل بیزی (BMA) می‌تواند بر این نااطمینانی‌ها غلبه کند. همچنین استفاده از این روش به محقق این امکان را می‌دهد که علاوه بر استفاده از آمار و اطلاعات موجود، اطلاعات پیشین خود را نیز وارد مدل کند تا با افزایش اطلاعات وارد شده کارایی مدل را افزایش دهد. تکنیک BMA این امکان را فراهم می‌کند که محقق بر اساس مقایسه نمونه‌ای از مدل‌های مختلف ممکن که با استفاده از الگوریتم 3MC (یکی از انواع زنجیره مارکوف مونت کارلو (MCMC))، نمونه‌گیری و انتخاب شده‌اند، از بین تعداد زیادی متغیرهای بالقوه مؤثر بر متغیر وابسته، بااهمیت‌ترین متغیرها را انتخاب و مدل بهینه را ارائه دهد. علت به‌کارگیری روش میانگینگیری مدل بیزین در این پژوهش این است که اولاً به دلیل عدم وجود یک مدل نظری قوی، مدل‌هایی که تاکنون در رابطه با عوامل مؤثر بر قاچاق کالا ارائه شده‌اند، تا حد زیادی بر اساس سلیقه انتخاب شده‌اند. ثانیاً با توجه به مطالعات پیشین عوامل زیادی وجود دارد که ممکن است بر قاچاق کالا تأثیری گذارد و وارد نمودن همه آنها در مدل اقتصادسنجی کلاسیک ممکن نیست. بنیان‌گذار روش میانگینگیری مدل بیزین جفریز^۲ (۱۹۶۱) بوده و سپس توسط لیمر^۳ (۱۹۷۸) توسعه داده شده‌است. شایان‌ذکر است که اساس رویکرد میانگینگیری مدل بیزین، قانون بیز است. اگر در این قانون Y ماتریس مشاهدات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته و θ بردار پارامترها باشد، معادله (۱) برقرار خواهد بود:

$$P(Y) = \frac{P(\theta)P(\theta)}{P(Y)} \quad \text{معادله (۱)}$$

از آنجایی که عنصر $P(Y)$ وابسته به پارامترها نیست، می‌توان معادله (۱) به معادله (۲) تبدیل نمود.

1 Wajid
2 Jeffreys
3 Leamer

معادله (۲) $P(Y) \propto P(\theta)P(\theta)$

در اینجا $P(\theta)$ تابع درستنمایی نام دارد که نشان‌دهنده چگالی داده‌ها مشروط بر پارامترهای مدل است. $P(\theta)$ تابع پیشین^۱ است که نشان‌دهنده اطلاعات پیشین محقق در رابطه با پارامترهای مدل است. $P(Y)$ نیز تابع پسین^۲ است که بخش مجهول معادله است و محقق در پی یافتن آن با تکیه بر توابع پیشین و تابع درستنمایی می‌باشد. البته میتوان تابع پیشین را بدون وارد نمودن اطلاعات پیشین در نظر گرفت، به صورتی که اطلاعات پیشینی وارد مدل گردد که هیچ‌گونه تأثیری بر روی محاسبات پارامترها نداشته‌باشد. به این نوع تابع، تابع پیشین غیر آگاهی بخش^۳ گفته می‌شود (کوپ^۴، ۲۰۰۳).

با فرض اینکه Y نشان‌دهنده متغیر وابسته و X_1, X_2, \dots, X_k نشان‌دهنده متغیرهای مستقل بالقوه می‌باشند، هدف، ارائه بهترین مدل از همه مدل‌های ساخته شده از متغیرهای مستقل به شکل معادله (۳) می‌باشد:

$$Y = \beta_0 + \sum_{j=1}^p \beta_j X_j + \varepsilon \quad \text{معادله (۳)}$$

در اینجا X_1, \dots, X_p زیر مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل بالقوه می‌باشد. نحوه انتخاب مدل بهینه و تخمین آن به روش حداقل مربعات معمولی، بدین صورت است که متغیرهایی که دارای احتمال تأثیر بیشتر از ۵۰ درصد هستند، به عنوان متغیرهای مهم تأثیرگذار وارد مدل نهایی خواهند شد.

آمار و اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد نیاز در این مطالعه، متغیرهای کلان اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۴۰۱ می‌باشد که از پایگاه داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده‌است. به علاوه، اطلاعات مربوط به قاچاق از ستاد مبارزه با قاچاق کالا دریافت خواهد شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

هدف اساسی پژوهش حاضر ابتدا یافتن یک مدل بهینه برای بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا با استفاده از روش میانگینگیری مدل بیزین و سپس برآورد مدل مذکور با به کارگیری روش حداقل مربعات معمولی است. جدول (۲) متغیر وابسته و متغیرهای بالقوه توضیحی و علامت انتظاری آنها در مدل را نشان می‌دهد.

1 Prior Function

2 Posterior Function

3 Non-informative

4 Koop

جدول (۲) متغیرهای توضیحی

متغیر وابسته		
نام متغیر	تعریف	علامت انتظاری
Con	قاچاق ورودی به کشور (هزار دلار)	
متغیرهای توضیحی		
نام متغیر	تعریف	علامت انتظاری
Unemp	نرخ بیکاری یا درصد جمعیت بیکار و جویای کار نسبت به جمعیت فعال کشور (درصد)	مثبت
Inf	نرخ تورم یا درصد رشد شاخص قیمت مصرف کننده نسبت به سال قبل (درصد)	مثبت
GDP	تولید ناخالص داخلی یا ارزش واقعی ریالی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل کشور بر اساس سال پایه ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)	منفی
Growth	رشد اقتصادی یا درصد رشد تولید ناخالص داخلی واقعی نسبت به سال قبل (درصد)	منفی
Ineq	شاخص بی عدالتی یا سهم دهک دهم به دهک اول (بدون واحد)	مثبت
Exdis	تفاوت نرخ ارز غیر رسمی و نرخ ارز رسمی کشور (ریال)	مثبت
Tax	کل درآمد مالیاتی دولت (میلیارد ریال)	مثبت
SSize	اندازه دولت یا مخارج جاری دولت (میلیارد ریال)	مثبت
Pov	شاخص فقر یا درصدی از جمعیت که با کمتر از ۶/۸۵ دلار در روز زندگی می کنند (درصد)	مثبت
Tarr	میانگین وزنی نرخ تعرفه هر سال (درصد)	مثبت
Cons	میل نهایی به مصرف یا نسبت مخارج خانوارها به درآمد خانوارها (بدون واحد)	مثبت
Sub	مبلغ کل یارانه پرداختی توسط دولت (میلیارد ریال)	مثبت
Op	شاخص باز بودن تجارت یا مجموع صادرات و واردات کشور (میلیون دلار)	منفی
Pro	تعداد کالاهایی که واردات آنها به کشور ممنوع است (عدد)	مثبت

منفی	شاخص آموزش یا نرخ باسوادی (درصد)	Edu
مبهم	نظام ارزی یا شاخص هارمز و نیز (۲۰۲۱) (بدون واحد)	Reg
منفی	ارزش افزوده ایجاد شده در بخش صنعت (میلیارد ریال)	Ind
منفی	شاخص مذهب یا نسبت هزینه‌های مذهبی به کل هزینه‌های خانوارها (هزار ریال)	Reli
مثبت	تعداد گردشگران وارد شده به کشور در سال (نفر)	Tour
مثبت	شاخص حمل و نقل یا طول راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی کل کشور (کیلومتر)	Trans
مثبت	شاخص ارتباطات یا تعداد مشترکین تلفن‌های همراه مشغول به کار در پایان اسفند هر سال (نفر)	Com m
منفی	شاخص سلامت یا نرخ مرگ و میر و تعداد کل فوت شده در سال (نفر)	Mort

منبع: محاسبات تحقیق

بعد از بررسی اهمیت و نحوه اثرگذاری همه متغیرهای توضیحی بالقوه بر قاچاق کالا در ایران در دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۵ با به‌کارگیری روش میانگینگیری مدل بیزین (BMA)، در راستای انتخاب مدل بهینه، متغیرهایی که اهمیت آنها در تأثیر بر متغیر وابسته بیشتر از ۵۰ درصد است به‌عنوان متغیرهای مهم مستقل وارد مدل نهایی می‌گردند. نتایج حاصل از برآورد به‌روش BMA شامل میانگین ضرایب، میانگین انحراف معیار ضرایب، و احتمال هر یک از این متغیرهای مهم در جدول (۳) گزارش شده‌است.

جدول (۳) نتایج برآورد به‌روش BMA

متغیر	میانگین وزنی ضرایب پسین	میانگین انحراف معیار ضرایب پسین	احتمال متغیر
عرض از مبدأ	۱۹۳۰۰۰۰۰	۱۲۱۰۰۰۰۰	00/1
GDP	-۴/۳۸۵۹۸۱	۰/۸۰۰۴۷۲۸	0/99
Exdis	۴۷/۶۱۸۰۱	۱۵/۷۴۹۳۲	0/95
Tax	۲/۵۱۰۰۳۵	۰/۵۰۹۷۲۵۷	0/99

0/59	۴/۳۵۵۳۹۲	۴/۳۱۵۹۶۳	Ssize
0/99	۳۱/۷۱۰۷۶	-۱۹۵/۱۴۰۲	Op
0/99	۰/۷۱۶۳۴۸۲	-۴/۰۴۸۶۴۳	Ind
00/1	۰/۲۹۹۱۰۰۱	۲/۰۷۷۷۴۵	Tour
00/1	۰/۰۴۱۷۳۲۴	۰/۲۸۳۶۶۷۲	Comm
0/54	۵/۹۰۵۵۱۶	۵/۶۷۲۷۳۳	Mort

منبع: محاسبات تحقیق

حال، باتوجه به نتایج روش بی‌زین، مدل نهایی متشکل از متغیرهای مستقلی که دارای احتمال تأثیرگذاری بالاتر از ۵۰ درصد بوده‌اند، برآورد می‌گردد. نتایج فروض کلاسیک مربوط به این برآورد در جدول (۴) گزارش شده‌است. نتیجه آزمون جارک- برا، بیانگر نرمال بودن باقیمانده‌های مدل می‌باشد. مقدار آماره آزمون به‌روش-پاگان^۱ نیز بیانگر عدم وجود مشکل واریانس ناهمسان است. همچنین نتیجه آزمون ریست رمزی^۲ نشان می‌دهد که تصریح مدل مناسب بوده و متغیر حذف شده‌ای وجود ندارد.

جدول (۴) نتایج آزمون‌های مربوط به فروض کلاسیک

نتیجه	P Value	نوع آزمون	آزمون
باقیمانده‌ها نرمال است.	۰/۱۲۸۲	JB	آزمون نرمال بودن باقیمانده‌ها
مشکل ناهمسان واریانس وجود ندارد.	۰/۱۴۳۵	Breusch-Pagan	آزمون واریانس ناهمسان
مدل متغیر حذف شده‌ای ندارد.	۰/۶۳۴۴	Ramsey Reset	آزمون تصریح مدل

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج برآورد مدل بهینه نهایی در جدول (۵) گزارش شده‌است.

1 Breusch-Pagan

2 Ramsey Reset

جدول (۵) مقایسه‌ی تخمین ضرایب متغیرهای مدل IM به دو روش BMA و OLS

متغیرهای توضیحی	BMA	OLS	P-Value OLS
GDP	385981/4-	5974/3-	۰/۰۰۰
Exdis	61801/47	1860/55	۰/۰۰۰
Tax	510035/2	4894/2	0/000
SSize	315963/4	2015/6	۰/۰۱۱
Op	1402/195-	4477/208-	۰/۰۰۰
Ind	048643/4-	3890/4-	۰/۰۰۰
Tour	077745/2	1386/2	۰/۰۰۰
Comm	2836672/0	2804/0	۰/۰۰۰
Mort	672733/5	2665/10	۰/۰۳۶
ضریب تعیین		۰/۹۸	

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نتایج به دست آمده، مشاهده می‌شود که متغیرهای تولید ناخالص داخلی، باز بودن تجارت، و صنعت رابطه منفی و معنی‌دار و متغیرهای تفاوت نرخ ارز رسمی و غیر رسمی، مالیات، اندازه دولت، گردشگری، ارتباطات، و مرگ و میر و ارتباطات رابطه مثبت و معنیداری با قاچاق کالا در ایران در دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۵ دارند.

با توجه به هدف اصلی مطالعه حاضر، مشاهده می‌گردد که طبق انتظار، تولید ناخالص داخلی که به عنوان شاخصی برای سطح درآمد وارد مدل شده است، رابطه منفی و معنیداری با قاچاق دارد. به این مفهوم که با افزایش یک واحد تولید ناخالص داخلی، قاچاق کالا به میزان تقریباً ۳/۶ واحد کاهش می‌یابد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که درآمد بالاتر در ایران باعث کاهش قاچاق می‌شود. این نتیجه تأییدی بر مطالعات پیشین از قبیل رضاقلی‌زاده و حیدرزاده (۱۳۹۹)، بارون و دیتلا (۲۰۰۴) و فرزندگان (۲۰۰۹) است.

با توجه به سایر نتایج، باز بودن تجارت رابطه منفی و معنیداری با قاچاق کالا دارد و افزایش این متغیر که به مفهوم تجارت رسمی آسان‌تر با سایر کشورهاست، باعث کاهش قاچاق می‌گردد. این نتیجه با مطالعاتی چون رضاقلی‌زاده و حیدرزاده (۱۳۹۹) سازگار می‌باشد. اختلاف نرخ ارز نیز تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر قاچاق کالا دارد و با افزایش یک ریال اختلاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی، قاچاق کالا به میزان حدود ۵۵ هزار دلار افزایش می‌یابد. با توجه به نتیجه مطالعاتی چون خواجه‌ی

و همکاران (۱۳۹۰) و هاشمی دیزج (۱۳۹۸) این نتیجه نیز مطابق انتظار بوده است. مالیات نیز رابطه مثبت و معنیداری با قاچاق کالا دارد. به این صورت که با افزایش ۱ واحد از مالیات، قاچاق کالا به میزان ۲/۵ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین این نظریه که افزایش مالیات باعث خروج از بخش رسمی و گسترش قاچاق می‌گردد، تأیید می‌شود. این نتیجه منطبق بر مطالعاتی مثل سلیمی فر و کیوان فر (۱۳۸۲) و رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹) است. اندازه دولت نیز که با شاخص مخارج جاری دولت مورد بررسی قرار گرفته است تأثیر مثبت و معنیداری بر قاچاق کالا دارد. این نتیجه نیز مطابق انتظار بوده و سازگار با مطالعات رضاقلیزاده و حیدرزاده (۱۳۹۹) و شرفی و همکاران (۱۳۹۹) است. در رابطه با تأثیر گردشگری نیز مشاهده می‌شود که گردشگری تأثیر مثبت و معنیداری بر قاچاق کالا دارد. بدین معنی که افزایش یک واحد تعداد گردشگران باعث افزایش قاچاق به میزان حدود ۲ هزار دلار می‌شود. بنابراین نتایج بسیاری از مطالعات از قبیل صادقی ده چشمه و قائد امینی هارونی (۱۳۹۹)، بایوا (۲۰۰۲)، بایارد و همکاران (۲۰۰۹)، احمد (۲۰۱۰)، اقبالی و همکاران (۲۰۱۱) و سینگلا (۲۰۱۴) تأیید می‌گردد. مرگ و میر نیز رابطه مثبت و معنیداری با قاچاق کالا در ایران دارد. به این صورت که هر چه مرگ و میر بیشتر باشد، قاچاق کالا بیشتر خواهد بود. با توجه به اینکه مرگ و میر بیشتر نشان‌دهنده وضعیت سلامت بدتر است، می‌توان بیان نمود که هر چه وضعیت سلامت کشور بدتر باشد، قاچاق کالا بیشتر خواهد بود. این نتیجه منطبق بر مطالعاتی همچون شرفی و همکاران (۱۳۹۹) است. ارتباطات نیز با ضریب ۰/۲۸ تأثیر مثبت و معنیداری بر قاچاق کالا دارد. بنابراین همان طور که قبلاً ذکر شد، ارتباطات باعث آشنایی بیشتر با کالاهای خارجی، احساس محرومیت نسبی و مصرف‌گرایی افراد، در نتیجه مصرف بیشتر کالاهای قاچاق می‌گردد. تقاضای قاچاق نیز مهم‌ترین انگیزه برای ورود کالاهای قاچاق است. این نتیجه نیز با مطالعاتی چون عبدالعلی‌زاده ترکمانی و همکاران (۱۴۰۲) سازگار می‌باشد. مشاهده می‌گردد که ارزش افزوده بخش صنعت داخلی نیز یکی از متغیرهایی است که تأثیر منفی و معنیداری بر قاچاق کالا دارد. این نتیجه با مطالعات تجربی و نظری پیشین همچون جمله امیر پور و همکاران (۱۳۹۱) و اسماعیل‌پور و رنجبر (۲۰۱۶) سازگار است و نشان‌دهنده آن است که ضعف صنعت منجر به افزایش قاچاق می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

امروز اقتصاد جرم یکی از مباحث پیشرفته بین رشته‌ای به‌شمار می‌رود. یکی از فعالیتهای اقتصادی که در تمامی کشورهای جهان جرم محسوب می‌شود و به‌علت آثار زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن حائز اهمیت ویژه‌ای است، قاچاق کالا است. قاچاق کالا به‌عنوان یک معضل بین‌المللی، در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه ایران به‌دلیل شرایط ژئوپولیتیک آن، تنوع و حجم بیشتری

دارد. بر این اساس، با توجه به اهمیت شناسایی عوامل تعیین‌کننده قاچاق در راستای مقابله با آن، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه تولید ناخالص ملی و قاچاق کالا در کنار سایر عوامل مؤثر در ایران در دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۵ است. روش مورد استفاده در این پژوهش به این صورت است که ابتدا از روش میانگینگیری مدل بیزین (BMA) برای انتخاب مدل مناسب استفاده شده و سپس مدل مذکور با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات معمولی برآورد شده است.

از بین ۲۴ متغیر شناسایی شده از طریق مطالعات پیشین، تعداد ۹ متغیر در برآورد به روش BMA دارای احتمال تأثیرگذاری بیشتر از ۵۰ درصد بوده‌اند و وارد مدل بهینه نهایی شده‌اند. این متغیرهای عبارتند از: تولید ناخالص داخلی، اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی، مالیات، اندازه دولت، گردشگری، مرگ و میر، ارتباطات، باز بودن تجارت و صنعت داخلی.

تولید ناخالص داخلی که نماینده سطح درآمد جامعه است، باز بودن تجارت، و صنعت داخلی دارای رابطه منفی و معنیداری با قاچاق است. در مقابل متغیرهای اختلاف نرخ ارز، مالیات، مخارج جاری دولت به‌عنوان نماینده اندازه دولت، گردشگری، مرگ و میر به‌عنوان شاخص سلامت، ارتباطات رابطه مثبت و معنیداری با قاچاق دارد.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهادات سیاستی زیر ارائه می‌شود:

- دولت می‌تواند از طریق سیاستگذاری‌های صحیح و تمرکز بر تولید ناخالص داخلی، برای افزایش سطح رفاه جامعه برنامه‌ریزی کند. به‌ویژه با تمرکز بر پتانسیل‌های مناطق مرزی که نسبت به سایر مناطق هم سطح درآمد پایین‌تری دارند و هم امکان ارتکاب جرم قاچاق در آنها بیشتر است، می‌توان اقدام به افزایش سطح رفاه و درآمد در این مناطق نمود تا افراد کمتری برای امرار معاش به قاچاق روی آورند.
- با توجه به اینکه وضعیت سلامت رابطه منفی با قاچاق دارد، پیشنهاد می‌شود که دولت اولاً از کالاهای سلامت محوری که در داخل تولید می‌شوند حمایت کند و ثانیاً موانع مقرراتی و مالی از قبیل هزینه‌های گمرکی واردات را برای آن دسته از کالاهای سلامت محوری که در داخل امکان تولید ندارند، کاهش دهد.
- پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های مربوط به کاهش اندازه دولت و تقویت بخش خصوصی با سرعت و جدیت بیشتری دنبال گردد و همچنین دولت از طریق برنامه‌ریزی کارآمد، هزینه‌های خود را کاهش دهد تا از این طریق از افزایش قاچاق کالا جلوگیری شود.

- با توجه به تأثیر صنعت بر قاچاق، پیشنهاد می‌شود که دولت از طریق تحقیق و پژوهش و برنامه‌ریزی دقیق صنایع پیشتازی را که می‌توانند به تقویت سایر صنایع نیز کمک کنند شناسایی کرده و از آنها حمایت کند تا کل صنعت تقویت شده و قاچاق کالا کاهش یابد.
- به سیاست‌گزاران بخش پولی و بانکی پیشنهاد می‌شود برنامه علمی کارآمد میان‌مدت برای کاهش اختلاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی ارائه دهند.
- با توجه به این واقعیت که بهبود ارتباطات مزایای فراوانی دارد و بنابراین نمی‌توان با رشد فزاینده آن مقابله نمود و از سوی دیگر رشد تکنولوژی‌هایی از قبیل گوشی هوشمند و غیره که منجر به افزایش ارتباطات می‌گردد، اجتناب‌ناپذیر است، پیشنهاد می‌گردد دولت از طریق افزایش آگاهی افراد جامعه به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان برای استفاده صحیح از وسایل ارتباطی و همچنین مدیریت محتوای تبلیغات رسانه‌ای، به کاهش مصرف‌گرایی و تعدیل الگوی مصرف مردم کمک کرده و از این طریق قاچاق کالا را کاهش دهند.
- با توجه به تأثیر آشکار باز بودن تجارت بر قاچاق، انتظار می‌رود که دولت سیاستهای اصلاحی همچون آزادسازی اقتصادی، بهبود روابط با سایر کشورها، و کاهش محدودیت‌ها و موانع تجاری را اتخاذ نموده و از این طریق به کاهش قاچاق کمک گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امیرپور مهناز، ایمان طلب پریوش، عنایتی، سعیده (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر قاچاق در شهرهای مرزی (انسان، اشیا، کالا). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰ و ۳۱ فروردین، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. بیگی جمال، علیزاده سامع سونیا (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر خرید و فروش داروهای غیرمجاز و قاچاق در منطقه ناصر خسرو تهران. مجله حقوق پزشکی، ۱۵ (۵۶)، ۱۶-۱.
۳. خندان عباس (۱۳۹۶). واردات قاچاق در ایران: برآورد شاخص، بررسی علل و آثار. پژوهش‌های اقتصادی، ۱۸ (۲)، ۱۸۰-۱۵۱.
۴. دست افکن حمید (۱۳۹۵). بررسی نقش عوامل مؤثر بر کاهش خطرپذیری قاچاق کالا در گمرک شهرستان گناوه. پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ۸ (۲)، ۸۲-۶۹.
۵. رضاقلیزاده مهدیه، حیدرزاده سحر (۱۳۹۸). قاچاق کالا و اشتغال در ایران. پژوهش‌های اقتصادی، ۲۰ (۲)، ۱۷۶-۱۴۵.
۶. شرفی حجت‌الله، شکور علی، درازهی، یاسمین (۱۳۹۸). تحلیلی بر قاچاق کالا و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان مرزی سراوان. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰ (۳۷)، ۷۶-۶۳.
۷. شریف مصطفی، اسلم حسین بر محمد، بخشنده، قاسم (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرزهای دریایی استان سیستان و بلوچستان و راه‌حلهایی برای کاهش آن. همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، ۲۸ آذر.
۸. صادقی ده چشمه مهرداد، قائد امینی هارونی، عباس (۱۳۹۹). شناسایی اثرات منفی فرهنگی گردشگری بر جامعه میزبان: مورد مطالعه: روستای ده چشمه. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۵ (۵۲)، ۳۱۱-۲۶۵.
۹. صبوری امیر، ربیعی مهناز، زندی فاطمه و شکوری بهرام (۱۴۰۲). تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و نابرابری توزیع درآمد، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲ (۴۲)، ۴۰۵-۳۸۷.
۱۰. غلامیان سارا (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در شهرهای مرزی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰ و ۳۱ فروردین، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱۱. قائم ذبیح، سید محمد (۱۳۹۹). درآمدی بر عوامل مؤثر بر قاچاق کالا. چهارمین کنفرانس بین المللی ترندهای مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب و کار، ۱۵ تیر.
۱۲. قراگوزلو، هادی (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران. *اقتصاد پنهان*. ۱(۲)، ۸۸-۶۹.
۱۳. مطیعی محسن، محمدخانی امیر (۱۴۰۰). تأثیر دین‌داری مصرف‌کننده بر قصد خرید کالای قاچاق به واسطه ابعاد اخلاقی. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۳(۴۲)، ۱۷۴-۱۴۷.
۱۴. مهدوی علی، غلامحسینی مجید، سلورزی محمد (۱۴۰۱). ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق چوب سوخت و زغال در جوامع محلی زاگرس مرکزی، استان ایلام. *تحقیقات منابع طبیعی تجدیدشونده*، ۱۳(۱)، ۹۶-۸۳.
۱۵. محمودی سید جلال، ازکیا مصطفی، موسایی میثم (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۹(۳۲)، ۲۰۹-۱۷۵.
۱۶. هاشمی دیزج، عبدالرحیم (۱۳۹۸). تأثیر ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و مالی بر قاچاق کالا در ایران. *طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی*.
۱۷. خداوردی، علی (۱۳۷۹). بررسی علل و پیامدهای پدیده قاچاق کالا، *مجله نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره نودوهفت و نودوهشت و قاچاق کالا، زمینه‌ها، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن، مجله نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره یکصدوهشت و یکصد و نهم*.
18. DiMaggio, P. (1994). Social stratification, lifestyle, and social cognition. *Social stratification: Class, race, and gender in sociological perspective*, pp. 458-465.
19. Esmailpour, M. and Ranjbar, M. (2016). Identifying and Ranking the Factors Affecting Commodity Smuggling in Coastal Areas of Bushehr Province. *International Journal of Economic Research*, 13 (1), pp. 195-209.
20. Heidari, H. and Shafiiian, A. (2015). Factors Affecting Goods and Currency Smuggling in the Draft Bill to Combat Goods and Currency Smuggling. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, Vol.4, No.2 pp. 316-322.

21. Hoeting, J. A., Madigan, D., Raftery, A. E., and Volinsky, Ch. T. (1999). Bayesian Model Averaging: A Tutorial. *Statistical Science*, Vol. 14 (4), pp. 382-417.
22. Jeffreys, H. (1961). *Theory of Probability*. 3rd Ed. London: Oxford University Press.
23. Koop, G. (2003). *Bayesian Econometrics*. John Wiley & Sons Ltd, England.
24. Leamer, E. E. (1978). *Specification Searches*. New York: John Wiley & Sons.
25. Mathras, D., Cohen, A. B., Mandel, N., and Mick, D. G. (2015). The effects of religion on consumer behavior: A conceptual framework and research agenda. *Journal of Consumer Psychology*, Vol. 26 (2), pp. 298-311.
26. Minton, E. A. (2015). In Advertising, We Trust: Religiosity's Influence on Marketplace and Relational Trust. *Journal of Advertising*, Vol. 44(4), pp. 403-414.
27. Ngumi Gakonyo, A. (2018). Factors Influencing Smuggling of Imported Goods at the Port of Mombasa. <https://ikesra.kra.go.ke/handle/123456789/157>.
28. Sari, W., T. (2017). Cosmetics and Consumption (An Analysis of Consumer Culture in Cosmetic Product Selection). *International Journal of Social Science and Humanity*, Vol. 7 (8), pp. 535-539.
29. Talarico, L., and Zamparini, L. (2017). Intermodal Transport and International Flows of Illicit Substances: Geographical Analysis of Smuggled Goods in Italy. *Journal of Transport Geography*, Vol. 60, pp. 1-10.
30. Vijayalakshmi, S., and Anuradha, M. (2020). Influence of Television Cosmetic Advertisements on Cosmetics Consumption Among College Students. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/ Egyptology*, Vol. 17 (7), pp. 12230-12237.
31. York, J. C., Madigan, D., Heuch, I. I., and Lie, R. T. (1995). Birth Defects Registered by Double Sampling: A Bayesian Approach Incorporating Covariates and Model Uncertainty. *Applied Statistics*, Vol. 44 (2), pp. 227-242.

پرتال جامع علوم انسانی



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی